

## بسم تعالی

عنوان مقاله: نیازمندی به صلح در افغانستان و چالش های فرا راه آن

تهیه کننده: محمد حامد " احمدی " عضو نجم

ایمیل آدرس: [mohammadhamidhmd@gmail.com](mailto:mohammadhamidhmd@gmail.com)

شماره تماس: ۰۷۹۷۷۶۳۲۰۵ و ۰۷۸۹۸۹۲۹۹۰

کلید واژه: صلح، امنیت، افغانستان

### مقدمه:

سال های متمادی جنگ و نا آرامی در افغانستان صدمات و خسارات جبران نا پذیری به این کشور و مردمانش وارد ساخته است. عدم وجود صلح و بروز اختلات در میان اقوام افغان و احاد جامعه اسلامی افغانستان از سویی و حملات ترورستی گروه های منسوب به القاعده در این کشور، امنیت و صلح را به مخاطره انداخته است.

بی گمان در این تراژدی غمبار و فاجعه بزرگ مردم قربانی اصلی نا امنی ها هستند، چه آنانی که در کشور ماندند و چه آنانی که به کشورهای همجوار پناهنده شدند و رنج آوارگی را به جان خریدند. همگی از صدمات عدم امنیت در کشور لطمه دیدند.

از آنجا که صلح یکی از اصول دین مبین اسلام است و پایبندی به آن از وظایف شرعی هر مسلمان است بر آن شدم تا بار دیگر به شناخت آموزه های اسلامی و سیره بزرگان دین به موضوع صلح بپردازم. دراین مقاله در صدد آن هستم که با تأکید بر آموزه های اسلامی و شناخت سیره بزرگان دین بتوانم الفت و مودت را در میان مسلمانان به ویژه در افغانستان عزیزم غنا بخشم و مسیری به سوی صلح و امنیت بگشایم.

### مفهوم صلح:

صلح در لغت به معنای سازش و ضد فساد و از بین بردن نفرت میباشد. این واژه در علوم سیاسی به معنای آرامش و امنیت عمومی در کشور به کار رفته است. در قرآن کریم این واژه در معنای سلم نیز به کار رفته است.

بی گمان صلح خواهی و زندگی همراه با سازش و مسالمت از نیازهای فطری بشری ایست که در دین مبین اسلام که همانا دین کامل، جامع و همه جانبه است این مهم ترین مورد در دین مبین اسلام واقع شده و عمل به دستورات و راهکارهای صلح و امنیت از وظایف شرعی مسلمانان است.

صلح و امنیت از جمله نیازهای فطری بشری است و تنها در سایه این موهبت و بخشیش الهی است که می توان به رشد، تعالی و ترقی در جامعه دست یافت. در طول سال های جنگ در کشور افغانستان دستیابی به صلح و امنیت گویی به آرزوی دست نیافتنی و رؤیایی تحقق نا پذیر مبدل شده است و ضرورت وجود صلح در این کشور به خوبی نمایان و هویدا است.

صلح، یعنی این موهبت بزرگ خداوند و حکمت ستوده ی قرآن، امریست که ضرورت و اهمیتش را ملت های آغشته به غم و سرگشته در جنگ، خیلی ها به خوبی درک می کنند. آنگاه که کشتی زندگی ملت و مردمی را درگیر موج های سهمناک و توفنده ی جنگ، نزاع و کینه و کدورت شود و سرنشینان آن کشتی یعنی ملت ها، با گذشت هر روز و هر ساعت و هر لحظه دستخوش هول و هراس و پریشان حالی های ناشی از جنگ و مصایب کینه توزانه شود، به وضاحت می توان دریافت که صلح، چقدر از اهمیت و ارزش والای برخوردار است.

برهمگان هویدا است که صلح در شرایط کنونی کشور ما، با توجه به پیچیدگی های سیاسی و استخباراتی، نا مشخص بودن تعاریفی از سیاست های کشوری و فرامرزی، کاستی ها و نیازمندی های بی حد و حصر در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حتی اجتماعی، از چه جایگاهی برخوردار بوده و به چه پیمانیه ای خریدارانی خواهد داشت؟ ملتی که از سالیان دراز به این سو در منجلا ب اشک و خون، دود و بارود، یأس و نا امیدیه، تجاوز و تعدی، بی باوری و بی اعتمادی دست و پا می زند و هرازگاهی هم که روزنه ی از امید به فردا های روشن از سوی به روی شان باز می شود، بدون ضیاع وقت، هبای سیه روزی و بد بختی از سوی دیگر سر می کشد و بر آیینیه ی امید و اعتماد این ملت سایه می اندازد و همه ی شادی ها و خوشی هایشان را می گیرد.

با آنکه همه میدانیم، در نبود صلح، دیو سیاه وحشت و جنگ، خانه ها را می سوزد، آبادی ها را به ویرانه و هستی را به نیستی مبدل می کند و در نبود صلح، نه از درس و تعلیم پیامی میتوان دریافت و نه از فرهنگ و مدنیت آوازه ای، هم عزت و غرور ملت ها درهم کوبیده می شود و هم هستی مادی و معنوی شان به یغما می رود، آرمان های بلند و بالای انسانی ملت ها و اهداف بزرگ کشور سازی و ملت سازی شان قربانی فرافکنی ها و ندانم کاری های متصدیان امور می گردد. این همه که ما به عنوان پیامد های نبود صلح عنوان کردیم، در سرزمین ما به خوبی مشهود و ملموس است.

خوب میدانیم که اگر صلح در کشور و یا سرزمین جنگ زده و آسیب پذیری به وجود بیاید، بدون شک، نتایجی چون: عمران و آبادی، فرهنگ و مدنیت، همزیستی مسالمت آمیز ملت ها، برادری و برابری، عدالت و همدیگر پذیری، اقتصاد و امنیت، نظام و حکومت داری کارا و مؤثر و سازندگی و بی نیازی را در پی خواهد داشت. بنابراین ما می گوییم! صلح نه یک ضرورت، بل، یک وجبیه برای هر فردی از احاد ملت این سرزمین - به ویژه افراد ذیدخل در سیاست و تدبیر کشور و اطراف درگیر جنگ و منازعه - است. طبق فرموده قرآن: {والصلح خیر} صلح ضامن همه ی خوبی هاست و همچنان در جای دیگر می خوانیم: {من احیایها فکانما احیا الناس جمیعاً} (کسی فردی را زنده کند گویا تمام مردم را زنده کرده

است). چه زیباست که این صلح، زندگی و حیات و عافیت و شادی و طراوت برمی گرداند. و زیباتر از آن اینکه، همه ی اطراف و جوانب در گیر در کشور ما، با درک حساسیت های موجود و به ستوه آمدگی ملت مظلوم کشور، به این امر مهم تن داده و برای ساختن یک کشور آزاد، آباد و سربلند دست برادری بفشارند.

## رابطه صلح و امنیت:

نا گفته پیدا و هویدا است که امنیت مولود صلح است. تنها در جامعه ای که بر صلح استوار است و مردم در آن با هم زندگی مسالمت آمیزی دارند امکان برقراری امنیت وجود دارد. پس این دو اصل در کنار یکدیگر معنا می یابند. در سایه این صلح و امنیت است که کرامت انسانی حفظ خواهد شد و همکاری میان انسان ها همراهی با مودت و مسالمت را رقم خواهد زد و جامعه و مردم را به سوی پیشرفت و علم رهنمون خواهد شد.

امنیت در لغت به معنای در امان بودن میباشد. ایمان نیز از همین ماده و به معنای قرار دادن خود و دیگران در امن و آسایش است. زیرا مؤمن با پذیرش ایمان، خود را از عذاب الهی حفظ می کند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به حالت فراغت از هر گونه تهدید و یا حمله ای را امنیت گویند و به صورت امنیت فردی، اجتماعی، ملی و بین المللی کاربرد دارد.

## اسلام داعیه دار صلح در جهان:

اسلام منادی و پیام آور صلح و دوستی میان تمام انسان هاست و دیدگاه اسلام در باره روابط انسان ها در زندگی اجتماعی بر پایه صلح و همکاری نیکو کارانه بشری استوار است.

خداوند در آیات متعددی مسأله صلح را مورد عنایت قرار داده و میفرماید:

{یاایهاالذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین}

ای اهل ایمان، همگی در مقام تسلیم خداوند در آید و از وسوسه های شیطان پیروی نکنید که او همانا شما را دشمنی آشکار است.

دین اسلام صلح و آشتی را فقط در میان مسلمانان نمیداند بلکه در زمان جنگ مسلمانان با مشرکان نیز به مسلمانان توصیه به سازش نموده و میفرماید:

{و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم}

و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود را به خداوند واگذار کن و خداوند شنوا و داناست.

نگاه ها به تاریخ اسلام نشان میدهد که سیره پیامبر(ص) نیز بر مبنای صلح و مسالمت است چه آنکه حضرت هرگز آغازگر جنگ نبودند و در تمام مدت زندگی پر ثمر خود به دفاع از دین اسلام برخاستند. اما شیوه آن حضرت در دفاع نیز مبتنی بر صلح و دوستی بود، چنانچه در سالهای نخست حکومت اش در مدینه برای ایجاد فضای امن و از بین بردن اختلافات میان مسلمانان مدینه پیمان اخوت را میان مهاجرین و انصار مطرح و اجراء نمود. یهودیان مدینه را در دین و دارایی شان آزاد گذاشتند و آنان را در انسانیت و حقوق شهروندی با مسلمانان شریک دانستند.

بدین ترتیب از اولین اقدامات آن حضرت در حکومت اسلامی ایجاد فضای صلح و دوستی میان همه اقوام جامعه بود.

نمود دیگری از سیره مصلحت جوی پیامبر زمانی است که شهر مکه فتح شد. پیامبر دستور داد سپاه او به چهار قسمت تقسیم شده و از چهار دروازه شهر وارد شوند. آن حضرت (ص) به صراحت دستور داد که جز به هنگام اضطرار به کسی تعرض نکنند، بالاخره بدون جنگ و خونریزی شهر مکه توسط سپاه اسلام فتح شد و لشکر پیامبر(ص) وارد مکه شده و در کنار خانه کعبه دور هم جمع شدند، در آن موقع حساس پیامبر (ص) به سخن آغاز کرد و قسمتی از تعالیم عالییه اسلام را بیان نمود. سپس به خطاب به قریش فرمود:

"ای گروه قریش فکر میکنید که چه رفتاری با شما خواهیم کرد؟ گفتند ای رسول خدا از تو جز نیکی و خوش رفتاری انتظار نداریم تو برادر کریم و فرزند برادری کریم هستی."

پیامبر با خوش روی فرمود: بروید شما آزاد هستید و کسی مزاحم شما نخواهد شد، این جمله را فرمود و عفو عمومی را در باره قریش و مردم مکه که آن همه سوابق دشمنی با وی داشتند صادر کرد. پیامبر در اوج پیروزی انتقام نگرفت، دشمنان کینه توز خود را شکست داد ولی از آنها اسیر نگرفت و کسی را به قتل نرساند و اموال آنها را غارت نکرد بلکه با کمال مهربانی و مسالمت شهر را فتح کرد.

## چالش ها و موانع فرا راه صلح

تردیدی وجود ندارد که در هیچ نقطه ی از جهان ملتی را نخواهیم یافت که در گیر جنگ و همدیگر کشی باشد و همه روزه در آتش نفاق و ستم دست و پا بزند و با خون قربانیان و کشتگانش تاریخ بنویسد، اما با آنهم علاقه به صلح نداشته باشد؛ ! این مضحکه بیش نیست. اما چرا سالیانیست که ملت ها در جا جای دنیا به ویژه در سرزمین الم کشیده ی ما افغانستان، نمیتوانند به این موهبت الهی دست یابند و از مزایای آن بهره ی داشته باشد؟ چرا هنوز هم این ملت در میان خون و آتش دست و پا می زند و هر روز پس از روزی گوشه گوشه ی این مرزوبوم گواه قربانیان ناشی از فراق صلح بوده و سینه ی اندوه گین این خاکدان این دود را با بیچارگی تمام تحمل می کند؟ آیا این ملت با واژه مقدس «صلح» متارکه کرده است؟ آیا واقعا این مردم به اهمیت صلح پی نبرده اند؟ پرسش هایبست که پاسخش را درین چند نکته ی زیر که به بیان دیگر به آنها عنوان چالش ها و موانع صلح اشاره می نمایم.

در نیاز بودن صلح شکی نیست و لابد همه تشنه ی تأمین آن و چشم به راه فریاد های صلح طلبانه از سوی اطراف درگیرند و بی صبرانه انتظار آن را دارند، تا دیگر اشکی بر رخسار مادری در سوگ فرزندی نریزد و طفل یتیمی فریاد بی پدری سر ندهد، اما:

- بهره گیری سیاسی کشورهای متکبر جهان، با استفاده از روش نگهداری موازنه ی جنگ، آنهم در فضای مملو از بی باوری و سطح پایین سواد و تربیت و همچنان حرص به سرمایه و موقف سیاسی در جغرافیای ما، یکی از موانع و چالش هایبست که هرازگاهی پروسه های صلح را به نحوی به چالش کشیده است و تلاش صورت گرفته است، تا نقطه ی فشاری در قسمت های از نوار مرزی و یا هم در داخل خاک کشور، شکل داده شود و از آن به عنوان بهانه حضور در منطقه سود ببرند. و این معضله جز با بالا بردن سطح تربیت فکری و رشد بلوغ سیاسی در میان همه اتباع کشور حل نخواهد شد.
- مداخله ی مغرضانه و خلاف تعهدات بین المللی از سوی برخی از کشورهای همسایه در پیوند به بوجود آمدن یک نظام همه شمول و فراگیر در کشور که ممثل حضور همه اقشار، طیف ها و توده های فکری، زبانی و نژادی در افغانستان باشد و این موضوع نیز بی تردید برخاسته از جهل حاکم در جامعه نسبت به بینش دینی و میزان اثر پذیری مردم از تبلیغات سوء دشمنان دین و میهن است که به عنوان مانع جدی صلح را تهدید می کند.
- سطح پایین آگاهی تربیتی- دینی ملت ها و عدم توسل به احکام و آموزه های دینی در امور سیاسی و روابط دیپلماتیک میان کشوری و فراقشور.
- قرائت های متفاوت و حتی گاهی سخت گیرانه و منفعت جویانه از دین و به فراموشی سپردن فرهنگ مردوت و مدارا در جبهه گیری ها و صف کشی های سیاسی و نظامی علیه همدیگر.
- بی توجهی زمامداران و عناصر موجود در رده های مختلف حکومتی به امر حکومت داری خوب و حدس و گمان های از وجود فساد اداری در ادارات و وزارتخانه ها. به ویژه در نهادهای عدلی و قضایی که زمینه را برای سربازگیری مخالفان دولت از میان توده های حساس و ناراضی از نظام فراهم می کند.
- بزرگ نمایی کاستی ها و اشتباهات از سوی رسانه ها با استفاده از آزادی بیان و تبلیغ و ترویج ابتذال و برنامه های منافی اخلاق و ارزش های دینی و ملی از سوی اکثری از رسانه های تصویری و صوتی در کشور، که این امر نیز میتواند زمینه را هم برای تحریک احساسات مردم و جبهه گیری در برابر نظام و هم برای تخدیر اذهان و افکار آنان به منظور تعمیل و مرعی قرار دادن برنامه های ضد اسلامی و ضد انسانی دشمنان دین و وطن بصورت خواسته و نخواسته مساعد سازد.
- کم علاقگی حلقات کوچک بر سراقندار در داخل کشور و تبلیغ تأسفبار عدم بخشندگی و گذشت در میان اتباع کشور، برای به ثمر نرسیدن پروسه های صلح و فریاد های صلح طلبانه ی ملت.

- رعایت نکردن اصول مصالحه، گاهی از یکسو و گاهی از اطراف مصالحه در امر گذشت و پذیرش برخی از اشتباهات و خواسته ها که این امر یکی از ویژگی های بارز و مهم در امر مصالحه است. پروسه ی مصالحه را به کندی مواجه ساخته و حتی بی نتیجه پایان خواهد داد. لا جرم برای مصالحه باید هر دو جانب مصالحه قدری انعطاف پذیر باشند و برهمدیگر گذشت داشته و حتی برخی از خواسته های همدیگر را بپذیرند.
- کم توجهی به چگونگی ترکیب هیئت های مذاکره کننده و ایجاد هیئت تک قومی برای مصالحه از سوی دولت.

## آثار منفی عدم وجود صلح در افغانستان

صلح و امنیت لازمه زندگی بشری است و عدم دستیابی بدان موجبات بسیاری از صدمات خواهد بود. بسیاری از جنایات و قتل ها و هتاکی ها، که در کشور ستمدیده افغانستان رخ داده است از عدم وجود صلح و امنیت منشاء میگیرد.

عدم صلح در یک اجتماع انس و مودت میان مردم را از بین می برد و نه تنها اتحاد ملی ایجاد نخواهد شد بلکه به اختلافات دامن و به همگان صدمه می زند. امری که در افغانستان به وضوح نمایان است.

امروزه دست یابی به علوم از مهمترین نیازهای جامعه افغانستان محسوب میشود. در چنین فضایی چگونه می توان به تحصیل و پیشرفت و دستیابی به علوم امید وار بود؟

مشهود است که برقراری عدالت و حق در جامعه اسلامی نیز نیازمند صلح و امنیت است. بدون صلح و امنیت کرامت انسانی نادیده گرفته خواهد شد و حقوق اولیه بشری چون تحصیل و بهداشت محقق نخواهد شد.

## نتیجه گیری

صلح در لغت به معنای سازش و ضد فساد و از بین بردن نفرت می باشد. این واژه در علوم سیاسی به معنای آرامش و امنیت عمومی در کشور به کار رفته است. در قرآن کریم این واژه در معنای سلم نیز به کار رفته است.

صلح از نیازهای اولیه زندگی می باشد. دین مبین اسلام که خود داعیه دار صلح در جهان است تأکید بر صلح و زندگی مسالمت آمیز انسان ها با هم دیگر دارد. با این حال در کشور عزیز ما افغانستان این امر محقق نشده و با اختلاف میان اقوام، اختلاف میان آحاد جامعه اسلامی محقق گشته است.

موانع و چالش های فراه راه صلح عبارت اند از: بهره گیری سیاسی کشورهای متکبر جهان، با استفاده از روش نگهداری موازنه ی جنگ، مداخله ی مغرضانه و خلاف تعهدات بین المللی از سوی برخی از کشورهای همسایه در پیوند به بوجود آمدن یک نظام همه شمول و فراگیر در کشور، رعایت نکردن اصول مصالحه، گاهی از یکسو و گاهی از اطراف مصالحه و غیره موارد.

به امید صلح و صفا و امنیت و عافیت برای ملت سرافراز و میهن عزیز مان افغانستان.